

بررسی پیشینه فقهی مبارزه با مواد مخدر و نقدی بر مجازات اعدام^۱

حسین عندلیب^۲

چکیده:

امروزه مبارزه با مواد مخدر یکی از دغدغه های بین المللی دولت ها محسوب می شود. جمهوری اسلامی ایران نیز در صدر مبارزکنندگان با مواد مخدر می باشد لکن در خصوص مجازات اعدام که در قوانین ایران آمده است جای تامل و دقت وجود دارد و باید این مساله بررسی شود که این مجازات تا چه میزان با اصول و قواعد فقهی هم خوانی دارد. بر این اساس این مقاله در گام اول به بررسی پیشینه فقهی مبارزه با مواد مخدر می پردازد و سپس نقدی بر مجازات اعدام بیان می دارد. یافته های پژوهش حاکی از آن است که فقهای شیعه در طول تاریخ نسبت به مصرف مواد مخدر دیدگاه های را مطرح کرده اند، و به آثار سوء جسمی و روانی

^۱ - تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۲۵

^۲ - استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم و استادیار مدعو دانشگاه بین المللی المصطفی (ص).

آن چون زوال عقل، نقصان در جسم و حواس توجه داشته‌اند و فتوای به حرمت آن جز در موارد خاص داده‌اند. لکن در خصوص معاملات مربوط به مواد مخدر و سایر مسائل نوپیدای از جمله مجازات آن نیاز به بررسی‌های اجتهادی وجود دارد.

واژگان کلیدی: مواد مخدر، فقه، مجازات اعدام.



۱. پیشینه فقهی مبارزه با مواد مخدر

نفس مواد مخدر یک موضوع مستحدثه نمی‌باشد، زیرا برخی از آنها در کلمات ائمه معصومین (علیه‌السلام) و فقهای قدیم آمده است. بنج، مفتر، مخدر و افیون چهار عنوانی است که هم در روایات و هم در کلمات فقها آمده و آثار و احکام شرعی مختلفی بر آن مترتب شده است، مثلاً شیخ طوسی در النهایه گفته است: من بنج غیره او اسکره شیء احتال علیه فی شربه و اکلہ ثم اخذ ماله عوقب علی فعله بما یراه الامام و استرجع عنه ما اخذ. فان جنی البنج او الاسکار علیه جنایه کان المبنج ضامنا لما جناه. (طوسی، ۱۴۱۳، ص ۷۲۱)

شبهه همین عبارت را شیخ مفید در المقنعه آورده و اضافه کرده است: فان جن البنج علی الانسان او المسکر من الشراب جنایه، لزمه ارشها بحسب ما یجب فیها لتقصان الجسم او العقل او الحواس. (مفید، ۱۴۱۰، ص ۸۰۵)

عین همین فتوا را ابن براج در المهدب، (ابن براج، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۵۵۴) ابن ادیس حلی در السرائر، (حلی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۵۱۱) یحیی بن سعید حلی در الجامع للشرایع، (حلی، ۱۴۰۵، ص ۶۰۸) علامه حلی در تحریر الاحکام (حلی، بی تا، ج ۲، ص ۲۳۴) و شهید اول در لمعه (مکی عاملی، ۱۴۰۳) و بسیاری از فقهای دیگر داده‌اند.

عبارت این بزرگان نشان می‌دهد که بر موضوع مواد مخدر، مانند بنج که ظاهراً حشیش یا ماری جوانا (کارشناسان بنج یا بنگ را حشیش و ماری جوانا دانسته‌اند با این تفاوت که اعتیادآوری ماری جوانا شدیدتر است.) می‌باشد واقف بوده و به آثار سوء جسمی و روانی آن چون زوال عقل، نقصان در جسم و حواس توجه داشته‌اند، اما هرگز مصرف این مواد به شکل امروزی با مسائل پیچیده آن مطرح و محقق نبوده و دو موضوع اعتیاد و قاچاق مواد مخدر به شکل امروزی وجود نداشته است، بلکه یا به عنوان دارو (که در موارد نادر استعمال داشته) و یا ابزاری برای ربودن مال دیگری تلقی می‌کرده‌اند، نه بیشتر در عین حال قائل به حرمت آن بوده‌اند.

اما با گذر زمان موارد زیر در خصوص مواد مخدر مطرح گردید:

۱- کشت خشخاش

۲- تولید و فرآیند عمل‌آوری مواد مخدر

۳- نگهداری

۴- حمل و نقل

۵- توزیع و فروش

۶- مصرف و استعمال

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۷- ایجاد مراکز و مکان استعمال و ارائه خدمات و ابزار برای سهولت تولید، توزیع

و مصرف

۸- در آمد و سرمایه‌های حاصله از هر یک از مراحل تولید تا مصرف

۹- معاملات و قراردادها در خصوص مواد مخدر...

۱۰- کسب خبر و ارائه اطلاعات

۱۱- مبارزه با هر یک از مراحل مواد مخدر

۱۲- درمان و ترک.

حکم تکلیفی حرمت در خصوص موضوعات ۱ تا ۹ متوقف بر ثبوت حرمت استعمال و مصرف مواد مخدر می‌باشد. افزون بر این که نحوه اثبات این حکم اساس و مبنای مباحث بعدی در خصوص احکام وضعی و مجازات مرتکبین می‌باشد.

از زمان مرحوم سیدابوالحسن اصفهانی (۱۳۶۵ق) تا امروز فتاوی صریحی در خصوص استعمال مواد مخدر از مراجع و مجتهدین در دست می‌باشد. در لابه‌لای کلمات فقهای بزرگ قدیم نیز کلماتی وجود دارد که حکایت از حرمت مواد مخدر نزد آنان دارد. (نجفی، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۴۱؛ گلپایگانی، بی تا، ج ۱۰، ص ۳۰۳؛ حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۲۹۱؛ فاضل هندی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۴۵۷) و برخی از فقها، مانند مرحوم آیت‌الله خوئی استعمال مواد مخدر را از باب اکل

سم (موسویخوئی، ۱۴۱۰، ج ۱۳، ص ۱۶۸) و ضرر رساندن به جسم و به مخاطره انداختن سلامت جسمی و روانی که حرمت آن در شرع مسلم است حرام دانسته‌اند.

برخی فقها با استناد به حکم «عقل» معتقد به حرمت شده‌اند. شهید صدر قایل هستند که عقل از باب قیاس مواد مخدر به خمر، حکم به حرمت آن می‌کند، زیرا علت منصوصه حرمت خمر، ذهاب عقل و شعور بوده و این علت در مواد مخدر به طور یقینی وجود دارد. (صدر، ۱۹۸۰، ص ۳۱۱)

برخی دیگر از فقها همچون آیت الله خامنه‌ای به وسعت ضرر آن خصوصا ضرر اجتماعی که مترتب بر مصرف مواد مخدر می‌باشد توجه نموده و حرمت آن را از باب اضرار شخصی و اجتماعی دانسته‌اند. (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۷)

روایات متعدد که در این باره وارد شده است (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۷، ص ۸۵) هرچند دارای ضعف سند است لکن بر مبنای برگزیده تجمیع ظنون، می‌توان از مجموعه این اخبار اطمینان حاصل کرد و به حرمت استعمال مواد مخدر و مسائل مرتبط با آن معتقد گشت.

از نظر حکم وضعی نیز با توجه به حرمت قاچاق، معاملات و تکسب اعم از تولید، حفظ، نقل و انتقال و فروش و اجاره مساکن و وسایل نقلیه که به نحوی در امر قاچاق مواد مخدر مدخلیت دارد بطلان این معاملات و عدم تملک سرمایه‌های کسب شده از این نوع معاملات امری روشن است، زیرا از شرایط مهم صحت تمام معاملات و تکسب به شکل هر نوع عقد و عملی که باشد، اباحه مورد معامله می‌باشد، علاوه بر اینکه وجود فایده عقلانی و مقصود عقلا بودن و مالیت داشتن

مورد معامله از نظر شرع و عقل از شرایط دیگر صحت معاملات می باشد که همگی این موارد در خصوص معاملات مواد مخدر مفقود است.

با توجه به حرمت و بطلان معاملات و تکسب از طریق مواد مخدر، کلیه کسانی که از راه مواد مخدر به هر شکل کسب درآمد می کنند مالک آن نمی شوند و اموال شرعا به آنها منتقل نشده، لذا ضامن آن اموال بوده و باید به صاحبانش برگردانند و چون در غالب موارد صاحبان آن شناخته شده نمی باشند به نظر می رسد باید اموال و سرمایه های کسب شده از طریق مواد مخدر را مجهول المالک دانست و یا در نهایت متعلق به معتادین تلقی کرد، چون تمام هزینه های تولید و قاچاق و سود آنها بالاخره توسط مصرف کننده یعنی معتاد پرداخت می شود و لذا باید برای اصلاح این افراد هزینه شود.

یکی دیگر از احکام وضعی که می توان درباره آن گفتگو کرد، «سفاهت» و «محجوریت» شخص معتاد است. برای این منظور می توان از برخی اظهار نظرهای فقهی بهره برد. فقها معاملات شخصی را که اقدام به خودکشی کرده و ضربه مهلکی به خود وارد نموده باطل می دانند ولو معاملات او در این حالت عقلایی به نظر برسد و حتی فتوا به بطلان وصیت یا هبه در یک سوم اموالش را داده اند و برخی این حکم را از باب سفاهت وی دانسته و گفته اند که عمل وی کشف از سفاهت او می کند. (شهید ثانی، بی تا، ج ۶، ص ۱۴۲؛ محقق حلی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۱۹۱) به نظر می رسد معتاد را بتوان از صغریات این فتوا تلقی کرد، زیرا فرد معتاد به مواد مخدر در واقع شخصی است که به خود ضربه مهلکی وارد کرده و خود را در یک

فرایند خودکشی و هلاکت قرار داده است، لذا با احراز موضوعی این امر می‌توان از این باب حکم به سفاهت و محجوریت وی نمود و به بطلان جمیع معاملات و توقیف اموال و سپردن آن به دست حاکم یا والی یا ولی، رای داد.

در خصوص حکم تکلیفی موارد ۱۰-۱۲ یعنی کسب خبر و ارائه اطلاعات؛ مبارزه با هر یک از مراحل مواد مخدر و درمان و ترک می‌توان گفت: با توجه به مصالح لازم التحصیل که بر این سه مورد مترتب است و جلوگیری از مفسد لازم الاجتنابی که در این موارد وجود دارد باید قائل به وجوب این موارد شد.

از نظر حکم وضعی نیز با توجه به وجوب این موارد طبیعتاً برای تحقق این موارد می‌توان قراردادهایی را به صورت حقیقی یا حقوقی منعقد کرد و از بیت المال برای این موارد هزینه کرد.

۲. مجازات اعدام و نقد آن

پس از پیروزی انقلاب اسلامی رویکرد مبارزه با مواد مخدر بسیار پر رنگ بود و افتخارات زیادی در راه مبارزه با این مواد افیونی صورت پذیرفت. لکن از سوی دیگر بازنگری قوانین نیز باید مد نظر باشد. ضرورتی که برخی جامعه شناسان، حقوقدانان و متخصصان امر ذکر می‌کنند. لکن آنچه که از نظر فقهی و حقوقی در این باره محل نظر است «مجازات اعدام» است. حتماً آشنایان با فقه و حقوق اطلاع دارند که مجازات های به دو قسم حدی و تعزیری تقسیم می‌شود و برای مواد مخدر در ادله اولیه مجازات حدی بیان نشده است پس مجازات آن تعزیری است

و مجازات تعزیری باید دون الحد باشد کم ترین دستاورد حاصل از قاعده التعزیر دون الحد، این است که؛ هیچ کس را نمی توان از طریق تعزیر اعدام کرد(ر.ک: محق داماد، ۱۳۷۸، ص ۲۱۹) بر همین مبنا است که هیچ یک از فقهای شیعه به جواز قتل مجرمین به عنوان تعزیر، فتوا نداده اند(ر.ک: انصاری، ۱۴۱۵، ص ۲۳۴) زیرا اعدام از جمله مجازاتهای حدی است و حاکم موظف است، در صدور حکم به مجازات تعزیری، ملاک کمتر از حد را رعایت نماید

با این مقدمات روشن میشود؛ تعیین مجازات اعدام برای جرمی که تعزیری شمرده میشود، با مبانی فقهی سازگاری چندانی ندارد و از دیگر سو با توجه به قاعده احتیاط در دماء و این که چنین مجازاتی باید به طور یقینی و با ادله یقینی صادر گردد، با ایراد جدی مواجه است و این قانون نیازمند بازبینی است. زیرا مستندی از جمله دلیل قطعی یا اماره شرعی برای صدور حکم اعدام به خاطر ارتکاب جرایم مواد مخدر وجود ندارد، در نتیجه درباره جواز یا عدم جواز صدور حکم تردید ایجاد میشود و در این باره قاعده احتیاط در دماء، مجرای عمل میباشد و بر طبق آن بدون دلیل یقینی نمیتوان چنین حکمی را قانون گذاری و در پی آن اجرا نمود، از این رو بهتر است قانون گذار برای حل این مشکل اقدام به تعیین مجازاتهای دیگری برای این گونه جرایم بنماید. تعیین مجازات مرگ برای یک جرم تعزیری؛ آن هم حمل و جابجایی مواد مخدر، به این صورت و با این گستردگی، به شدت با قاعده احتیاط در دماء، تعارض دارد و این قاعده مانعی جدی برای اجرای چنین مجازاتی است.

قانون گذار در تعیین مجازاتهای تعزیری با محدودیتی که در تعیین مجازاتهای حدی روبرو است، روبرو نمیباشد، زیرا تعیین آن به حاکم سپرده شده است اگر ایراد گرفته شود که حاکم به عنوان تعزیر میتواند اقدام به مجازات اعدام نماید، باید به این نکته توجه نمود که؛ حتی اگر اعدام در تعزیر را هم روا بدانیم، قاعده درء به عنوان مانعی برای تعیین و اجرای مجازات مرگ برای تجارت مواد مخدر و روان گردان، وجود دارد. زیرا در قانون مبارزه با مواد مخدر و تعییح مجازات مرگ برای برخی از مرتکبین این جرایم، از آنجا که فقها درباره خرید و فروش مشروب بدون اعتقاد به حلیت، حکم به عدم اجرای حد داده اند(ر.ک : طوسی، ۱۴۱۳، ۷۱۲) قانون گذار با تردید روبرو میشود و این حکم، واردکننده شبهه جدی بر تدوین و وضع چنین موادی است، آن هم درباره مواد مخدر و روان گردان که درباره الحاق یا عدم الحاق آن به مسکرات اختلاف وجود دارد. با وجود شبهه برای قانون گذاری و اجرای مجازات اعدام برای مرتکبین تجارت مواد مخدر و روان گردان، قاعده درء مانع این روند خواهد بود و مواد مربوط به مجازات اعدام در قانون مبارزه با مواد مخدر نیازمند بازبینی و اصلاح است، اما مجازاتهای حبس و جزای نقدی چون تعزیری و وابسته یه دیدگاه حاکم اسلامی است، از این جنبه با ایراد و اشکالی روبرو نیستند.

شاید برخی از باب مفسد فی الارض بودن حاملان مواد مخدر را محکوم به اعدام بدانند. که در پاسخ به اینها باید گفت با توجه به اختلافات موجود درباره میزان مجازات مفسد فی الارض و قلمرو آن، درباره جرم انگاری مستقل و تعیین مجازات برای این جرم اتفاق نظر وجود ندارد، پس قاعده درء در اینجا حکم به

عدم مجازات در موارد مشکوک می‌دهد، به ویژه آن که درباره مجازات اعدام قاعده احتیاط در دماء نیز مانع حکم مرگ در موارد مشکوک است، پس بهترین گزینه آن است که در چنین مواردی به قدر متیقن اکتفا شود و آن یکسان دانستن جرس محاربه و افساد فی الارض است یا در صورت جدا نمود آنها، اکتفا به موارد حداقلی است، زیرا اگر هدف شارع جرس انگاری مستقل مفسد فی الارض به طور گسترده شود، در کتاب و سنت به آن اشاره دقیق و بدون ابهام صورت می‌گرفت.

لازم به یادآوری است که این بحث تخصصی به سمت مباحث ژورنالیستی و یا احساسی و تبلیغاتی نرود و برخی بگویند مجازات اعدام برای حاملان مواد مخدر را نباید برداشت ترحم بر پلنگ تیز دندان و.... بلکه در بحث های فقهی و حقوقی علاوه بر واقعیت های اجتماعی باید اصول و قوانین و ادله مورد اتکا قرار گیرد و بدون مستند فقهی و حقوقی نمی توان اظهار نظر کرد. هر چند تغییر مجازات ها هم باید با وسواس و دقت تمام صورت پذیرد که منجر به اشاعه این مواد نگردد.

۳. تغییرات جدید قانونی در خصوص مجازات اعدام

مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۹۶ قانون "الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر ماده ۴۵" را تصویب کرد تا براساس آن مجازات اعدام قاچاقچیان مشروط به چهار بند محدود شود. این ماده قانونی، قسمت قابل توجهی از مجازات های قانون مادر را تغییر داده است.

این ماده قانونی نظم حقوقی تمامی قانون مبارزه با مواد مخدر را تحت تاثیر قرار می‌دهد، به عبارتی این ماده تنها ماده‌ای الحاقی نیست که اثر واحد و مرتبط با خودش داشته باشد، بلکه نوعی ماده با سیاست تقنینی محسوب می‌شود که توانسته قسمت قابل توجهی از قانون مبارزه با مواد مخدر را تحت شعاع قرار دهد.

برخی مواد قانون مبارزه با مواد مخدر مانده ماده دو، چهار، پنج، شش، هشت و ۱۱ که قانونگذار در آن برای مجرم مجازات اعدام در نظر گرفته است، مانند ماده دو که (هر کس مبادرت به کشت خشخاش کند و یا برای تولید مواد مخدر به کشت شاهدانه پردازد علاوه بر امحاء کشت در هر بار، بر حسب میزان کشت مجازات خواهد شد و در صورت تکرار، برای بار چهارم، اعدام می‌شود.) ماده چهار (هر کس بنگ و چرس و تریاک و شیره و سوخته تریاک را وارد کشور و یا صادر کند یا تولید یا توزیع و یا خرید و فروش کند و یا در معرض فروش قرار دهد با رعایت تناسب و با توجه به مقدار مواد مذکور به مجازات‌هایی محکوم می‌شود و بیش از پنج کیلوگرم، اعدام و مصادره اموال به استثناء هزینه تأمین زندگی متعارف برای خانواده محکوم.) قانونگذار با الحاق ماده ۴۵، این مجازات را به چهار شرط محدود کرد.

همچنین در ماده پنج که طبق آن هر کس تریاک و دیگر مواد مذکور در ماده ۴ را نگهداری یا مخفی یا حمل کند با رعایت تناسب و با توجه به مقدار مواد به مجازات‌هایی محکوم می‌شود و در صورت تکرار، اعدام و مصادره اموال به استثناء هزینه تأمین زندگی متعارف برای خانواده محکوم می‌شود. در ماده شش هم بیان

شده مجازات مرتکب به جرایم مذکور در بندهای ۱ و ۲ و ۳ مواد ۴ و ۵ برای بار دوم ۱,۵ مجازات مذکور در هر بند و برای بار سوم دو برابر میزان مقرر در هر بند و در مرتبه‌های بعد به ترتیب ۲,۵ و ۳ و ۳,۵ و... برابر مجازات مذکور در هر بند خواهد بود و در موارد مذکور چنانچه در نتیجه تکرار جرم، مجموع مواد مخدر به بیش از پنج کیلوگرم برسد مرتکب در حکم مفسد فی الارض است و به مجازات اعدام محکوم می‌شود. حکم اعدام در صورت مصلحت در محل زندگی محکوم و در ملاء عام اجرا می‌شود.

بر اساس ماده هشت نیز هر کس هرویین، مرفین، کدیین، متادون و دیگر مشتقات شیمیایی مرفین و کوکائین و نیز عصاره شیمیایی حشیش و روغن حشیش را وارد کشور کند یا تولید یا توزیع یا صادر کند، یا خرید و یا فروش کند و یا در معرض فروش قرار دهد و یا نگهداری و یا مخفی یا حمل کند با توجه به میزان مواد مجازات خواهد شد و بیش از ۳۰ گرم، اعدام و مصادره اموال به استثناء هزینه تأمین زندگی متعارف برای خانواده محکوم. همچنین ماده ۱۱ هم می‌گوید مجازات اقدام به قاچاق مواد مخدر موضوع این قانون به طور مسلحانه اعدام است و حکم اعدام در صورت مصلحت در محل زندگی مرتکب و در ملاء عام انجام خواهد یافت؛ لذا قانون‌گذار با الحاق ماده ۴۵، این مجازات را به چهار شرط محدود کرد.

اعدام قاچاقچیان مسلح

پس از الحاق ماده ۴۵، قانون به شکلی در آمد که براساس آن مرتکبان جرم مشروط به چهار بند الف، ب، پ و ت حکم آنها اعدام مد نظر قرار گیرد؛ در بند الف آمده

است که «در مواردی که مباشر جرم و یا حداقل یکی از شرکاء، حین ارتکاب جرم سلاح کشیده یا به قصد مقابله با مأمورین سلاح گرم و یا شکاری به همراه داشته باشند، مشمول حکم اعدام خواهند شد». در واقع پیش از تصویب ماده ۴۵، در زمینه استفاده از سلاح، قانون‌گذار تنها عملیات مسلحانه را مشمول اعدام می‌دانست اما در قانون جدید حتی همراه داشتن سلاح گرم و شکاری را مستوجب اعدام دانسته است، لذا اگر قاچاقچیان حین قاچاق مواد و با هر میزان وزنی، از اسلحه گرم یا سرد استفاده کنند و یا سلاح شکاری و سلاح گرم نظامی به همراه داشته باشند، مشمول حکم اعدام خواهند شد.

همچنین در بند ب این قانون آمده است که «مرتکب نقش سردستگی (موضوع ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) را دارد یا پشتیبان مالی و یا سرمایه‌گذاری را در امر قاچاق داشته یا از اطفال و نوجوانان کمتر از ۱۸ سال یا مجانین برای ارتکاب جرم استفاده کرده باشد، مشمول حکم اعدام می‌شود»، زیرا عموماً در این موارد مجانین و کودکان مورد تحمیل و حقوق آنها نیز تحت شعاع قرار می‌گیرد، لذا قانون‌گذار به منظور حمایت از این گروه‌ها مرتکبان را مشمول اعدام کرده است. این درحالیست که طبق ماده ۳۵ سابق قانون مبارزه با مواد مخدر، هرکس اطفال و نوجوانان کمتر از ۱۸ سال تمام هجری شمسی و افراد محجور عقلی را به هر نحو به مصرف یا به ارتکاب هر یک از جرایم موضوع این قانون وادار کند یا دیگری را به هر طریق مجبور به مصرف مواد مخدر یا روانگردان کند، به ۱،۵ برابر حداکثر مجازات قانونی همان جرم و در مورد حبس ابد به اعدام و مصادره اموال ناشی از ارتکاب این جرم محکوم می‌شود.

همچنین براساس بند پ «مرتکب به علت ارتکاب جرایم موضوع این قانون سابقه محکومیت قطعی اعدام یا حبس ابد یا حبس بیش از ۱۵ سال داشته باشد، اگر برای بار دوم مرتکب مجدد این جرائم شود» و طبق بند ت نیز «تمامی جرایم موضوع ماده ۴ قانون مانند بنگ، حشیش، تریاک و... مشروط بر اینکه بیش از ۵۰ کیلوگرم باشد و مواد موضوع ماده ۸ قانون مشروط بر اینکه بیش از ۲ کیلوگرم باشد و درخصوص سایر جرایم موضوع ماده ۸ نظیر حمل و نگهداری و مخفی کردن میزان ۳ کیلوگرم است و به تبع در خرید و فروش و توزیع و واردات و صادرات که صور انتقال مواد به دیگران است تا ۲ کیلوگرم مد نظر قانونگذار است که مشمول اعدام خواهند شد.

بند ت ماده ۴۵ قانون به نوعی نگاه ارفاقی در سیاست جنایی دارد، اما سایر بندها سیاست تشدیددی دارد.

در خصوص تبصره ماده ۴۵ نیز گفتنی است: افرادی که یکبار به مجازات‌هایی مانند اعدام یا حبس ابد محکوم می‌شوند و به دلایلی نهادهای ارفاقی شامل حال آنها شده است در صورت تکرار مجدد جرم (بار دوم) قانونگذار حکم مرتکب را اعدام دانسته و مشمول هیچ عفوئی نمی‌شود، اما در تبصره ماده ۴۵ آمده است افرادی که مشمول ماده مذکور می‌شوند از سایر نهادها، به استثنای عفو بند ۱۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی از عفو بهره‌مند نمی‌شوند.

بنابراین بر اساس ماده ۴۵ الحاقی، قانونگذار به مجازات، تنها نگاه تنبیه، خاموشی یا ناتوان‌سازی مرتکب را ندارد، بلکه به مجازات از نگاه بازدارندگی و پیشگیرانه

نگاه می‌کند. در واقع مجازات خاصیت پیشگیرانه کیفر مدار دارد و از آنجایی که پیشگیری در ابعاد رشد مدار و کیفر مدار بررسی می‌شود، زمینه به نحوی مهیا می‌شود تا جرمی رخ ندهد، اما در صورت وقوع جرم، ما از جنبه پیشگیری قانون ناامید نخواهیم شد بلکه مجازات را به نحوی در نظر می‌گیریم که مرتکب برای بار دوم به سمت جرم نرود و همچنین براساس مجازاتی که جامعه برای او دیده است، با در نظر گرفتن سود و زیان خود، به محاسبه ارتکاب یا عدم ارتکاب خود پردازد.

عدم شمول قانون ک. ح بر جرائم مواد مخدر

بر اساس تبصره ۶ ماده ۳ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری «تمام حبس‌های ابد غیر حدی مقرر در قانون به حبس درجه یک تبدیل می‌شود». با توجه به این ماده قانونی این تصور پیش آمد که مواردی که در قانون مبارزه با مواد مخدر با مجازات حبس ابد تعیین شده بود باید تبدیل به حبس درجه یک بشود، یا بر اساس ماده ۴۵ الحاقی تبدیل به حبس درجه دو و جزای نقدی گردد؟ بدین خاطر از اداره حقوقی قوه قضاییه اینگونه پرسش شد:

با توجه به ماده ۳ قانون {کاهش حبس} و ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر در حبس‌های ابد غیر حدی، آیا ماده ۳ یاد شده ناسخ ماده ۴۵ الحاقی است یا این که ماده ۴۵ الحاقی مخصوص ماده ۳ قانون مذکور می‌باشد؟
اداره حقوقی قوه قضاییه چنین پاسخ داد:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مطابق ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۹۶/۷/۱ مجازات مرتکبان جرائمی که در این قانون دارای مجازات «حبس ابد» هستند بر حسب احراز یا عدم احراز یکی از شرایط مقرر در این ماده، به مجازات «اعدام» یا «حبس و جزای نقدی درجه ۲» حسب مورد «تبدیل» گردیده است لذا در فرض سوال بحث نسخ یا تخصیص بین ماده مذکور و تبصره ۶ الحاقی به ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مبنی بر تبدیل تمام حبس درجه یک اساسا سالیانه به انتقاء موضوع است. (نظریه شماره ۴۱۵/۹۹/۷)

بر این اساس مجازات های اعدام در قانون مبارزه با مواد مخدر با الحاق ماده ۴۵) به جز چهار مورد مذکور در ماده ۴۵) تبدیل به مجازات حبس درجه یک تا سی سال و جزای نقدی درجه یک تا دو برابر حداقل آن و ضبط اموال ناشی از جرائم مواد مخدر و روان گردان شده است. و حبس های ابد(به جز ۴ مورد مذکور در ماده ۴۵) نیز به حبس درجه دو و ضبط اموال ناشی از جرائم مواد مخدر و روان گردان تبدیل گردیده است. لازم به تذکر است که با الحاق ماده ۴۵ اساسا موضوع حبس های ابد غیر حدی از قانون مبارزه با مواد مخدر حذف شده است و لذا تبصره ۶ ماده ۳ قانون کاهش حبس شامل جرائم مواد مخدر نمی گردد.

نتیجه گیری:

در این پژوهش پیشینه فقهی مبارزه با مواد مخدر مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت همچنین نقدی بر مجازات اعدام مطرح گردید. نتیجه حاصل از پژوهش آن است که از حیث پیشینه فقهی مبارزه با مواد مخدر، از حیث فتوا بر حرمت استعمال و

توزیع آن وجود دارد. لکن بحث اصلی تعیین مجازات آن است که با توجه به قواعد فقهی باب تعزیر چنین مجازاتی پشتوانه محکم فقهی ندارد. لذا پیشنهاد می گردد از مجازات های جایگزین استفاده شود. البته لازم به یادآوری است اگر فرد یا افرادی به صورت گسترده اقدام به توزیع و فروش مواد مخدر می نماید یا سایر موارد مندرج در ماده ۴۵ الحاقی، تحت عنوان «مفسد فی الارض» قرار می گیرند که مجازات آنان اعدام است و در این خصوص قوانین موجود شایسته به نظر می رسد.

منابع

- ابن براج، عبدالعزیز(۱۴۰۶)، المهذب، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- انصاری، مرتضی(۱۴۱۵)، المكاسب، قم، کنگره شیخ انصاری.
- حر عاملی، شیخ محمد بن الحسن(۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، بیروت، احیاء التراث العربی.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی(۱۳۸۷)، اجوبه الاستفتاءات، بیروت، دار الوسيله.
- حلی، ابی جعفر(۱۴۱۰)، السرائر، قم مؤسسه النشر الاسلامی.
- حلی، حسن بن یوسف (بی تا)، تحریر الاحکام، قم، مؤسسه آل البیت.
- حلی، یحیی بن سعید(۱۴۰۵)، الجامع للشرايع، قم، مؤسسه سید الشهداء.

شهید ثانی، زین الدین بن علی (بی تا)، مسالک الافهام، قم، دار الهدی للطباعة و النشر.

صدر، محمدباقر (۱۹۸۰)، دروس فی علم الاصول، بیروت، دار الکتب اللبنانی.

طوسی، ابو جعفر (۱۴۱۳)، النهایه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

فاضل هندی، بهاء الدین محمد بن الحسن بن محمد (۱۴۰۵)، کشف اللثام، قم، منشورات مکتبه السید المرعشی النجفی.

قانون الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر (ماده ۴۵)، مصوب ۱۳۹۶.

قانون کاهش مجازات حبس تعریزی.

قانون مبارزه با مواد مخدر، ۱۳۷۶.

قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲.

گلپایگانی، محمدرضا (بی تا)، درس خارج فقه، تقریرات محمد هادی مقدس، قم، دارالقرآن الکریم.

محقق حلی، ابوالقاسم نجم الدین (۱۴۰۹)، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، بیروت، مطبعه الآداب.

محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۷۸)، قواعد فقه، تهران، نشر علوم اسلامی.

مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۰)، المقنعه، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.

مکی عاملی، محمد بن جمال الدین (۱۴۰۳)، شرح لمعه، بیروت، دارالعالم الاسلامی.

موسوی خوئی، ابوالقاسم (۱۴۱۰)، التنقیح، تقریرات میرزا علی غروی تبریزی، قم، دارالهادی.

نجفی، محمدحسن (۱۴۰۰)، جواهر الکلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

نوری، میرزا حسن (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل البيت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی